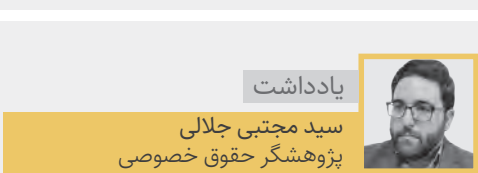


پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب به مناسبت درگذشت مادر شهیدان مظفر



حضرت آیت‌الله‌سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای،رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی درگذشت مادر گرانقدر و پرهیزکار شهیدان مظفر را تسلیت گفتند. در این پیام آمده است: درگذشت والدۀ مکرّمه و مادر فداکار و صبور شهیدان سرافراز حسن، علی و رضا مظفر (رضوان‌الله‌تعالی علیهم) را به جناب‌عالی و سایر بازماندگان محترم و خانواده‌های معظم شهدا و ایثارگران تسلیت می‌گویم. این بانوی گرانقدر و پرهیزکار با پرورش فرزندان مؤمن و متعهد به دفاع از حریم انقلاب اسلامی به مقام رفیع قرب الهی نائل آمده است.



انتقام، بازسازی بازدارندگی در عصر فروپاشی نظم قاعدهمحور

ترور شخصیت‌های ارشد سیاسی و نظامی از منظر حقوق بین‌الملل و نظم امنیتی، تنها جنایت علیه یک فرد نیست، بلکه از بین بردن امنیت در یک حاکمیت و فروپاشی بنیان‌های ثبات منطقه‌ای محسوب می‌شود. اظهارات اخیر مبنی بر اینکه «انتقام تضمین‌کننده امنیت ملی و بازدارندگی در منظومه مقاومت است» ناظر بر تغییر پارادایمی در نظام محاسباتی دشمن و ترمیم خلأهای ناشی از فروپاشی نظم قاعدهمحور جهانی است. در این یادداشت، به بررسی ابعاد حقوقی و امنیتی این رویکرد در قبال عاملان احتمالی ترور می‌پردازیم.

■ شکست نظم حقوقی جهان و عادی‌سازی ترور

رویه عملی ایالات متحده در سال‌های اخیر، به‌ویژه پس از ۱۱ سپتامبر، نشان‌دهنده افزایش تنش در سطح قواعد حقوقی جهان است. دولت آمریکا با توسل به تفسیر گسترده از ماده ۵۱ منشور ملل متحد (دفاع از خود) و برچسب‌زنی به مخالفان به عنوان «تروریست» یا «رزمنده نامشروع» اقدام به حذف فیزیکی شخصیت‌هایی کرده که عمدتاً در مقام انجام وظایف سیاسی یا دیپلماتیک بوده‌اند.

ترور فرماندهان مقاومت در خاک عراق و سوریه و شهادت حدود ۵۰ فرمانده و مقامات سیاسی ایران که در صدر آن رهبر شهید ایران حضور دارند، نه تنها ناقض کنوانسیون ۱۹۷۳ حمایت از دیپلمات‌ها و کنوانسیون‌های ژنو است، بلکه نشان از تضعیف اراده جامعه جهانی برای مقابله با این بی‌قانونی دارد. در چنین فضایی «دفاع از خود» بهانه‌ای برای نقض حاکمیت کشورها و به خطر انداختن جان مقامات رسمی شده است.

■ انتقام به مانند بازدارندگی؛ نه قصاص فردی

در ادبیات امنیتی، تفاوت جوهرینی میان «انتقام» صرف و «بازدارندگی» وجود دارد. بازدارندگی به معنای ایجاد هزینه‌ای برای دشمن است که نظام محاسباتی او را متلاشی کرده و حضور یا اقدام نظامی را برای وی «ناصرف» (غیراقتصادی) کند.

ترور رهبر یک کشور، سرمایه‌های ملی و مذهبی را هدف قرار می‌دهد که با هیچ عرامت مادی قابل جبران نیست. در این بستر، پاسخ متقابل (انتقام) از جنس بازدارندگی فعال تعریف می‌شود؛ پاسخی که نه صرفاً برای آرامش خاطر، بلکه برای یک معادله جدید طراحی شده است: هرگونه تهدید علیه امنیت ملی ایران، با هزینه‌ای سنگین‌تر برای منافع دشمن در کل منطقه همراه خواهد بود. این همان سازوکاری است که می‌تواند فروپاشی نظم قاعده‌محور را در یک جغرافیای محدود، به نفع بازدارندگی منطقه‌ای بازتعریف کند.

■ مکانیسم عملیاتی و پیامدهای امنیتی

از منظر مکانیسم‌های اجتماعی، برای ایجاد بازدارندگی نیازمند تغییر در «محاسبات هزینه-فایده» دشمن هستیم. تجربه محور مقاومت نشان داده وقتی گنبدهای آهنین و پدافندهای پیشرفته در برابر حملات متقابل ناکارآمد می‌شوند، نظریه بازدارندگی دشمن فرو می‌ریزد. در این چارچوب:

۱. **جبران ناپذیری خسارت:** ترور شخصیت‌های کلیدی، امنیت وجودی یک ملت را هدف قرار می‌دهد. پاسخ به آن باید در سطحی باشد که نشان دهد امنیت عاملان ترور و متحدانشان نیز پایدار نیست.

۲. **تغییر معادلات:** پاسخ قاطع به ترور، هم‌پیمانان راهبردی دشمن را وادار به بازنگری در محاسبات خود خواهد کرد، چنان‌که کشورهای منطقه نگران گسترش جنگ‌وبی‌ثباتی ناخواسته هستند.

۳. **مشروعیت حقوقی:** با توجه به ناتوانی نهادهای بین‌المللی در محاکمه عاملان ترور و بازگرداندن آنان، دولت قربانی محق به استفاده از ابزارهای مشروع برای دفاع از خود و تأمین امنیت ملی براساس حقوق بین‌الملل (حق دفاع مشروع) است.

■ نتیجه‌گیری

«انتقام» در منظومه مقاومت، یک واکنش احساسی نیست، بلکه یک محاسبه دقیق راهبردی برای بازسازی بازدارندگی است. با فروپاشی نظم حقوقی جهانی و تبدیل آن به ابزاری در دست قدرت‌تحمیل مهاجم، تنها راه تضمین امنیت ملی، تحمیل هزینه‌های غیرقابل تحمل به متجاوز و ایجاد ترس از پاسخ‌های متقابل نامتقارن است. این رویکرد، اگر با درک عمیق از مکانیسم‌های روانی و امنیتی دشمن همراه باشد، می‌تواند منطقه را به سمت نوعی «توازن وحشت» سوق دهد که در آن بودن در منطقه برای متجاوزان نه تنها صرفه‌ای نداشته، بلکه به معنای نابودی منابع قدرت آن‌هاست.

در ادامه رفت و آمدهای سیاسی، پس از سفر وزیر کشور ایران به پاکستان، امروز تهران میزبان نخست‌وزیر عراق است

رمزگشایی از تحرکات دیپلماتیک منطقه



از روابط خود با هر دو طرف و توانایی برقراری ارتباط با آن‌ها، در زمره کشورهایی باشد که در پرونده کاهش تنش میان واشنگتن و تهران ایفای نقش می‌کنند». این رسانه البته مدعی است در کنار پرونده مذکور، بررسی موضوع انحصار سلاح در دست دولت عراق، خروج نیروهای آمریکایی از این کشور و گسترش همکاری امنیتی در راستای مقابله با اقدامات تروریست‌های تجزیه‌طلب ضدایرانی در دستور کار است.

■ فشارهای سیاسی بر ترامپ

افزایش تحرکات منطقه‌ای با هدف مدیریت و کاهش تنش میان تهران و واشنگتن در شرایطی است که چندروز پیش، منابع خبری از روی میز قرار گرفتن طرح آتش‌بسی توسط قطر خبر دادند. خبرگزاری رویترز اعلام کرد میانجیگران

سفر پنج‌روزه وی به واشنگتن نیز معنادار به نظر می‌رسد. علی‌الزیدی، در نخستین سفرش پس از عهده‌داری مسئولیت، ۲۳ تیر به آمریکا رفته و با دونالد ترامپ دیدار داشت. آن‌گونه که العربیه مدعی شد، مقامات کاخ سفید در این دیدارها به الزیدی برای بازگویی نقش آفرینی به منظور پایان دادن به جنگ با ایران چراغ سبز نشان داده‌اند. العربیه می‌نویسد: «تحرکات بغداد در سایه تلاش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای مهار تشدید تنش میان واشنگتن و تهران و جلوگیری از گسترش دامنه جنگ و پیامدهای آن بر امنیت منطقه صورت می‌گیرد. پیش‌تر فؤاد حسین، وزیر امور خارجه عراق روز جمعه تأکید کرده بود این کشور مخالف جنگ و ادامه و گسترش آن است، موضعی که توسط الزیدی تکرار شده است. عراق به دنبال این است که با استفاده

سرویس سیاسی | تنها یک روز پس از سفر وزیر کشور به پاکستان، حضور نخست‌وزیر عراق در تهران، گمانه‌زنی درباره رویدادهای دیپلماتیک مذکور که احتمالاً مدیریت تنش میان ایران و آمریکا فصول آن خواهد بود را افزایش داده است. با ادامه زد و خورد‌ها در حاشیه خلیج فارس، اسکندر مؤمنی سه‌شنبه در اسلام‌آباد با شهپاز شریف، نخست‌وزیر و عاصم منیر، فرمانده ارتش همسایه شرقی دیدار داشت. دو طرف تلاش داشته‌اند محور اتفاق را پیگیری مناسبات مرزی و دوجانبه عنوان کنند، ولی با توجه به نقش میانجی‌گری پاکستان نمی‌توان چنین رویدادی را بی‌ربط به تنش‌های منطقه تعبیر کرد.

■ پرونده‌های در دست اقدام الزیدی

حضور نخست‌وزیر همسایه غربی در تهران، آن هم پس از

نگاه

تکه‌های ابدان فرشته‌های مدرسه شجره طیبه که پس از آواربرداری کشف و با آزمایش‌های مختلف شناسایی شده بودند روز گذشته در یک تشییع جانسوز به خاک سپرده شدند؛ روزی که تابوت‌ها سبک بودند و داغ‌ها سنگین

امان از دل مادران میناب

کودکشان را از دست بدهد و کودکشان را برای بار دوم به خاک گرم جنوب بسپارند.

اما در میان پیکرهای قطعه‌قطعه شده کودکان شجره طیبه، همچنان نشانی از یک پیکر نبود. گویا موشک ۶ متری آمریکایی که با سرعت ۹۳۰ کیلومتری، کلاک ۴۵۰ کیلویی‌اش را به وسط مدرسه کوبیده، آن قدر دقیق بوده که قلب ماکان رانشانه بگیرد و اثری از او برجای نگذارد. مردم جنوب، پاره‌های پیکرشان را به خاک سپردند و نام‌هایی که تا نهم اسفند به جلد دفتر و کتاب‌ها زندگی می‌بخشید، حالا بر سنگ نشان شهدایی نامبراست تا باز هم شجره طیبه‌ای بروید که «اصلاً ثابت و فرعه‌افی السماء». حالا میناب نه شهری در ایران، که نام دختران عراقی هم می‌تواند باشد.

اما کیسه‌های سفید کوچکی که حتی شباهتی به پیکر انسان نداشت، طعن‌های بود به انسانیت مدرن و تابوت‌های سبک‌بالی که در کرانه هرمز روی دست مردم شناور می‌شد، کیفرخواست سنگینی بود علیه

(قطر و پاکستان) در طرح جدید، توقف ۱۰ روزه تا دو هفته‌ای حملات و بازگشایی تنگه هرمز را به منظور ایجاد فرصتی برای احیای توافق هسته‌ای موقت پیشنهاد کرده‌اند. در ادامه اگرچه برخی رسانه‌های غربی – عربی با ایجاد موج خبری تلاش کردند این گونه القا کنند که ترامپ آتش‌بس موقت و کوتاه‌مدت را رد کرده، اما گام‌های میانجیگران و همچنین حضور مقام عراقی در تهران که در راستای خلاصی واشنگتن از باتلاق جنگ تعبیر می‌شود واقعیت دیگری را منعکس می‌کند. رئیس‌جمهور ایالات متحده این روزها و به‌ویژه پس از کشته شدن سه نظامی کشورش در حملات ایران به اردن و عراق زیر فشار زیادی قرار دارد. انتقاد مخالفان جنگ، کار را به جایی رسانده که دونالد با هدف توجیه شکست دست به ابتکاری بچگانه و خنده‌دار زده و آمار سربازان کشته شده آمریکا در نبردهای مختلف را در شبکه اجتماعی تروث سوشال، این‌گونه ردیف کرده است: «جنگ افغانستان: ۲۰ سال، ۲ هزار کشته. جنگ عراق: ۹ سال، ۴ هزار و ۶۰۰ کشته. جنگ ویتنام: ۱۹ سال و پنج ماه، ۵۸ هزار و ۲۲۰ کشته. جنگ کره: سه سال و یک ماه، ۳۶ هزار و ۵۷۴ کشته. جنگ ونزولا: یک روز، صفر کشته. درگیری نظامی ایران: چهار ماه، ۱۸ کشته». ترامپ به گمان خود خواسته با این مقایسه، مخالفان جنگ با ایران را در موضع ضعف قرار دهد و از بار انتقادات بکاهد!

باوجود این نمایش جنجالی شومن آمریکایی، واقعیت چیز دیگری است و حالا اعتراضات ضدجنگ به قلب سنا رسیده است. بر این اساس، شامگاه سه‌شنبه معترضان آمریکایی با قطع پی در پی سخنان پیت هگست، وزیر جنگ در کنگره، توقف درگیری با ایران را خواستار شدند. آن‌ها با در دست داشتن پلاکارده «نه به جنگ با ایران» و سر دادن شعارهایی، مخالفت خود را با اقدامات دولت اعلام و بر جنگ «غیرقانونی» و «منفورترین نبرد تاریخ آمریکا» تاختند. در حالی که جنگ احصاقانه کاخ سفید به صورت لحظه‌ای بر قیمت سوخت در آمریکا اثرگذار شده و درجه افزایش جهانی نفت را به ۹۵ دلار گشاده (با اجرای آتش‌بس این نرخ حتی به زیر ۷۰ دلار هم رسیده بود) تبعات سیاسی رویارویی با ایران برای جمهوری خواهان و به‌ویژه شخص ترامپ این‌گونه آشکار می‌شود و به نظر می‌رسد افزایش تحرکات در منطقه بی‌ارتباط با این مسئله و فراهم کردن زمینه‌ها برای خروج آبرومندانه واشنگتن از باتلاق گرفتار شده نیست.



حالا برای هرکدام از این فرشته‌ها پرونده‌ای گشوده شده تاگربیان جنایتکاران به چنگ آید و انتقامشان تضمینی باشد بر جریان حیات در مینابی که خط مقدم مبارزه است و ایرانی که پیکره‌اش چیزی جز میناب و میناب‌ها نیست. پس برای زنده ماندن میناب و ایران باید برخواست. چنین صحنه‌هایی البته برای مردم ما غریب نیست؛ چه تفحص پیکرهای جوانان این آب و خاک در جبهه‌های نبرد هشت‌ساله و چه تشییع جوانان رشیدی که لاله‌های دمیده از خونشان این سرزمین را سال‌ها از گزند دشمنان مصون نگه داشت. اما لاله‌ها این بار نه از خون جوانان، که از خون کودکان وطن‌میدور برچم‌های سرخ خونخواهی نشست، پرچمی هم‌رنگ پرچم پالائارات که مدت‌هاست به خونخواهی رهبر شهید مردم برافراشته شده و ایستادگی پای همین خون‌هاست که سرزمینمان را نگه خواهد داشت.

■ میانجی‌ها هنوز فعال اند

باوجود ادامه حملات، مسیر گفت‌وگو کاملاً بسته نشده است. قطر بار دیگر از اجرای تفاهم‌نامه و تضمین عبور در هرمز سخن گفت. وزیر کشور ایران نیز در اسلام‌آباد با مقام‌های پاکستانی دیدار کرد؛ سفری که در کنار موضوعات دوجانبه، با تلاش پاکستان و قطر برای کاهش تنش همزمان شده است. عراق هم اعلام کرد نخست‌وزیر این کشور برای گفت‌وگو درباره گاز و تحولات منطقه به ایران سفر می‌کند. اما مشکل اصلی پابر جاست. آمریکا فشار را بالا می‌برد تا ایران در هرمز عقب بنشیند و موقعیت بهتری در مذاکرات پیدا کند. ایران هم پایگاه‌های منطقه‌ای را هدف می‌گیرد تا نشان دهد زیر بار فشار آمریکا نخواهد رفت. به همین دلیل، گفت‌وگو فعلاً بیشتر شبیه تلاش برای کنترل آسیب است، نه مسیر قطعی پایان جنگ.

■ ایستگاه صد و چهل و پنجم؛ هدفی که جابه‌جا شد

هدف جنگ در حال تغییر است. آمریکا جنگ را با ادعای بازگرداندن امنیت کشتیرانی ادامه داد، اما پس از ۱۱ شب حمله، هرمز هنوز عادی نشده و تهدیدها به پل‌ها و نیروگاه‌های ایران رسیده است. این یعنی فشار نظامی، به جای حل مسئله، هدف‌های تازه‌ای ساخته است. در سوی دیگر، ایران نیز با ادامه حمله به پایگاه‌های آمریکا نشان داده حمله به خاک آمریکا بدون پاسخ منطقه‌ای نمی‌ماند. نتیجه، وضعیتی است که در آن هر ضربه، احتمال ضربه بعدی را بیشتر می‌کند.

صورت‌حساب جنگ روی میز کنگره

برای اعمال هزینه اضطراری حمل‌ونقل نیز همین پیام را داشت. جنگ حالا فقط در نقشه نظامی دیده نمی‌شود، بلکه دوباره بر قیمت نفت، بیمه کشتی‌ها، برنامه شرکت‌های حمل‌ونقل و هزینه تجارت جهانی هم اثر گذاشته است. از این منظر، هرمز نه کاملاً بسته است و نه باز؛ در وضعیتی میان این دو قرار دارد و همین وضعیت برای بازار کافی است تا نگران بماند.

■ پاسخ در پایگاه‌ها

ایران در پاسخ، مسیر گذشته خود یعنی هدف قرار دادن مراکز نظامی آمریکا در منطقه را ادامه داد. ارتش از حمله به پایگاه موفق‌السلطنی در اردن و پایگاه شیخ عیسی در بحرین خبر داد. در کویت هم ایران به کمپ دوحه و مراکز لجستیکی و انبار مهمات آمریکا حملات مؤثری کرد. با این حال مهم‌ترین اتفاق میدانی روز گذشته بیانیه دیروز سپاه بود، جایی که ایران رسماً از وارد کردن خسارت سنگین به سوله پهپادهای ام‌کیو-۹، انهدام هشت فروند پهپاد اکبند و دو فروند آماده به‌کار، دو فروند بالگرد سنگین آمریکایی و کشته و زخمی شدن تعدادی از نیروهای متجاوز در پایگاه‌های ملک فیصل و پرنس حسن اردن در موج ۲۵ عملیات نصر۲ خبر داد. این الگو نشان می‌دهد ایران نمی‌خواهد پاسخ خود را فقط در هرمز محدود کند. پیام ایران این است پایگاه‌هایی که در حملات آمریکا نقش دارند، نباید محیط امن تلقی شوند. در محاسبه ایران، حمله آمریکا نباید بدون فشار متقابل بر شبکه منطقه‌ای واشنگتن ادامه پیدا کند.

■ صورت‌حساب در واشنگتن

۳۱ تیر فقط برای منطقه مهم نبود؛ در داخل آمریکا هم مسئله جنگ سنگین‌تر شد. وزیر دفاع آمریکا اعلام کرد هزینه جنگ با ایران به ۳۷ میلیارد دلار رسیده و پنتاگون به بودجه بیشتری نیاز دارد. هم‌زمان شمار کشته‌های نظامی آمریکا به ۱۸ نفر و زخمی‌ها به بیش از ۴۵۰ نفر رسید. همین اعداد، روایت دولت ترامپ را دشوار می‌کند. اگر ایران آن‌طور که